



سلسله مقالات " مبانی مذهب اسماعیلی " (15)

آشنایی با شخصیت، کار و فعالیت برخی از رجل برجسته اسماعیلی

احمد نسفی

یکی دیگر از داعیان بسیار مشهور و شاخص اسماعیلیه در خراسان محمد بن احمد نسفی است (متوفی 331 هـ ق) که مردی عالم و ادیب و مشهور بحریت فکر بود. تاریخ ادبیات در ایران جلد اول دکتر ذبیح الله صفا

نسفی در نسف یا نخشب (امروز بنام قرشی یاد میشود که جز ازبکستان میباشد) بدنیا آمد. راجع به جوانی و نوجوانی و خانواده نسفی معلوماتی در دست نیست.

از قراین بر می آید که وی در نزد حسین مروزی آموزش یافته است. زمانیکه مروزی در زندان امارت بخارا به قتل رسید، نسفی زمام امور دعوت را در دست گرفت، و در نخستین اقدامش خود را بزرگان دربار سامانی نزدیک ساخت. نسفی عده ای از بزرگان دولت سامانی از جمله ابوالشعث دبیر، ابوبکر نخشی ندیم و ایتاش حاجب امیر نصر را به کیش اسماعیلی دعوت کرد و ایشان نیز دعوت را پذیرفتند. کار متداوم او در میان بزرگان بخارا فضا را کلا به نفع اسماعیلیان دگرگون ساخت. امیرنصر نیز دعوت او را پذیرفت و متعهد شد که یکصدو نوزده هزار دینار خونبهای حسین مروزی را القائم بامرالله دومین خلیفه فاطمی پرداخت نماید.

احمدنسفی زمانی در ماورالنهر شروع به فعالیت نمود که خلافت فاطمیان در شمال افریقا تازه بنا یافته بود، و قرمطیان در جنوب ایران سرگرم دعوت بودند. قرمطیان امامت عبیدالله المهدی را انکار نموده، کماکان بر مهدویت محمدابن اسماعیل ابن جعفر صادق معتقد بودند. احمدنسفی در زمان بسا دشوار یکه و تنها وارد میدان نبرد با عباسیان گردید. علو مقام و دانش و فرهیختگی این دانشمند فرزانه زمانی میتوان درک کرد که او چگونه توانست در دربار سامانیان نفوذ نماید و امیر را معه درباریاننش به مذهب خویش درآورد.

ویژگی کار نسفی درین است که وی فلسفه را وارد مذهب ساخت. نسفی مذهب را با فلسفه آشتی داد، و فلسفه نوافلاطونی را با رنگ و روغن اسلامی وارد مذهب ساخت. آثار و نوشته های نسفی بخصوص کتاب المحصول بزودی دقت قرامطه در بحرین را بخود جلب نمود. و به یکی از کتابهای عقیدتی آنها مبدل شد. آثار نسفی به قلمرو فاطمیان در شمال افریقا دیرتر

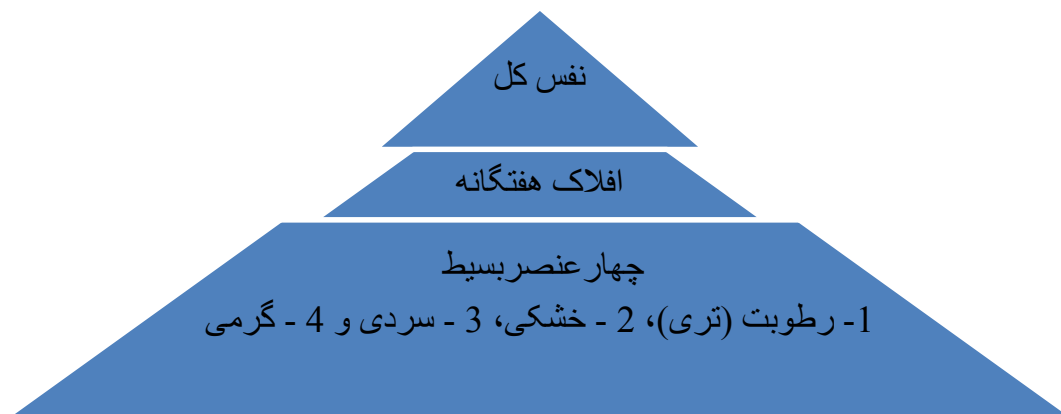
راه یافتند، فقط در زمان امام المعزالدین الله چهارمین خلیفه بود که دانشمندان اسماعیلی به نوشته های نسفی روی آوردند و بزودی اندیشه فلسفی و جهان بینی توحیدی او به عنوان رهگشای برخی از دعوات پذیرفته شد.

دکتر فرهاد دفتری معتقد است که نسفی و یارانش مباحث فلسفی را به منظور جلب توجه طبقات حاکم و قشر فرهیخته جامعه، وارد نظام فکری خود ساختند. تلفیق عقل و وحی، یا فلسفه و الاهیات به تکامل یک سنت ممتاز و یگانه عقلانی در الاهیات فلسفی و درون کیش اسماعیلی منجر شد، که بنام جدید اسماعیلیگری فلسفی نیز از آن یاد میکنند. چنان مینماید که داعی نسفی داعی کل در خراسان و ماورالنهر نخستین داعی اسماعیلی بود که فلسفه نوافلاطونی را در الاهیات و نظام فکری خود وارد کرده است. (دفتری فرهاد. مختصری در تاریخ اسماعیلیه. صفحه 116).

نسفی و سایر دعوات اسماعیلی درین کار نهایت احتیاط را بخرج میدادند، تا در کاربرد اصطلاحات فلسفی باب روز و زمان جوهر پیام مذهب خویش را به مخاطره نیاندازند.

در نظام فلسفی نسفی و داعیان بعد از وی خداوند جهان را در عملی خارج از زمان و به طریق ابداع از هیچ، از لا شییی آفریده است. ازینرو خداوند مبدع (آفریننده) است. و امر یا کلمه او منحیث میانجی میان او تعالی و خلقت او عمل میکند. عقل کل نخستین موجودی است که به امر باری تعالی از هیچ آفریده شده است. عقل هم بالقوه و هم بالفعل ابدی، ساکن و کامل است. از عقل کل به طریق انبعاث (برانگیختن) نفس کل بوجود آمده است. نفس در مقایسه با عقل ناقص است، و برای رسیدن به کمال به فیضان عقل نیازمند میباشد. خداوند همه چیز را از عالم روحانی تا جسمانی دفعتا و در آنواحد خلق کرده است. نفس برای رسیدن به کمال اشتیاق زیاد دارد، این شوق نیل به کمال سبب جنبش و حرکت و فعالیت آن میشود. حرکت نفس باعث پیدایش هیولی و صورت میشود.

داعی اسماعیلی ترتیب آفرینش را به شرح زیر توضیح میدهد:



از اثر اتحاد این چهار عنصر (تری، خشکی، سردی و گرمی) چهار عنصر مرکب، چون آب، آتش، خاک و هوا پدید می آیند. از آمیزش مرکبات گیاهان که دارای نفس نامیه اند تکامل می یابند، و از آنها حیوانات که دارای احساس (نفس حسیه) اند بوجود می آیند. و بالاخره از حیوانات انسان که قابلیت نطق (حرف زدن) را دارد بوجود می آید.

اسماعیلیگری فلسفی خود زاده تفکرات آن‌عه از دعوات اسماعیلی می‌باشد که در شرق خلافت مصر مشغول پیشبرد کار دعوت بودند. دستگاه خلافت در رشد و تکامل اسماعیلیگری فلسفی سهمی نداشت. فقط در زمان خلافت معزالدین الله بود که افکار فلسفی داعیان شرق بخصوص خراسان جایگزین افکار و جهان بینی قدیم اسماعیلیه گردید. ناصر خسرو را میتوان آخرین نظریه پرداز این مکتب دانست که در آثار خویش از آرا و افکار سجستانی استفاده زیاد نموده است.

نسفی در تبیین مباحث امامت و نبوت قائل به هفت دور در تاریخ شد که هر دور با بعثت یک پیامبر اولوالعزم شروع می شود و هر پیامبری دارای هفت جانشین است. دوره هفتم تاریخ دوره پایانی عالم است و با ظهور محمد بن اسماعیل که مهدی می‌باشد، شروع می گردد. در نگاه نسفی آدم (ابوالبشر) شریعتی نداشته و فقط مردم را به توحید فراخوانده است و دور هفتم مثل دور اول، دور بی شریعت است و از زمان امامت محمد بن اسماعیل شروع شده است.

در مورد اینکه احمد نسفی یکی از دعوات بزرگ اسماعیلی بود تردیدی وجود ندارد، اما در مورد رابطه اش با فاطمیان در شمال افریقا نظریات متفاوت ارائه شده اند. پاول واکر برین باور است که وی نیز مانند ابوحاتم رازی قرمطی بوده است. شادروان زرینکوب معتقد است که حداقل نسفی با القائم بامر الله امام و دومین خلیفه فاطمی ارتباط داشته است. او می‌نویسد: «در این میان دعوت باطنی‌ها در دربار بخارا پنهانی توسعه می‌یافت و عده‌ای از ندیمان و اعیان دولت تمایلی به تبلیغات باطنی، که گویند حسین مرورودی در خراسان شروع کرده بود، و محمد بن احمد نخشبی آن را در ماوراءالنهر ادامه می‌داد، نشان می‌دادند. مرورودی که یک بار در وزارت ابو عبدالله جیهانی به زندان افتاده بود و به وساطت ابوالفضل بلعمی نجات هم یافته بود، بعدها که چون خود امیر به دعوت باطنی علاقه پیدا کرد، ناچار شد خون‌بهای مرورودی را که در زندان بخارا مرده بود، به محمد بن احمد نخشبی بپردازد که پرداخت، و مبلغی بود کرماند. نخشبی هم مدعی شد که آن را به مغرب نزد امام فاطمی، القائم، خواهد فرستاد و بدین‌گونه امیر بخارا در سال‌های آخر عمر خواه ناخواه با امام فاطمی تونس- که بعدها خلافت فاطمی مصر به وسیله اخلاف او در قاهره به وجود آمد- به نحوی ارتباط یافت». (عبدالحسین زرینکوب: تاریخ مردم ایران بعد از اسلام، ج 2، ص 201).

نسفی در قتل عام 331 اسماعیلیان، که در زمان امارت نوح بن نصر سامانی رخ داد خلاف میل باطنی امیر در اثر فشارهای مکرر سران ارتش بدار آویخته شد. بعد از این حادثه اسماعیلیان مورد آزار و اذیت عوام و بخصوص ملاحی متعصب قرار گرفتند، هر آنکسی را که میخواستند سیاست کنند و یا از میان بردارند تهمت قرمطی گری (ساماعیلی) را بر وی ساخته میساختند، و سر به نیست می نمودند. درین زمان بود که عده کثیری از اسماعیلیان بخارا و سرزمینهای مجاور را ترک کرده به مناطق کوهستانی و دشوارگذر پامیر ساکن شدند. علی رغم تمام بیداد و شکستهای پی در پی که بر اسماعیلیان وارد آمد، دعوت اسماعیلیه در خراسان و ماوراءالنهر نابود نشد.

از مشهورترین آثار نسفی کتاب المحصول است که بغدادی بآن اشاره کرده است (الفرق بین الفرق ص 283) این کتاب مورد توجه داعیان اسماعیلی قرار گرفت چنانکه ابو حاتم در کتاب الاصلاح خود بخبرده گیری و ابو یعقوب در کتاب النصره به یاری گری او بر خاست و کرمانی در کتاب الریاض بدآوری میان آن دو پرداخت. . . این ندیم سه کتاب دیگر بنامهای عنوان الدین، اصول الشرع، الدعوه المنجیه باو نسبت داده است. (ابن ندیم - فهرست ص 354).